

عَلِيمٌ حَكِيمٌ نَافِذُ الْأَمْرِ قَاهِرٌ  
 دانای حکیمی که امرش جاری است و او غالب  
 فَكُلُّ عَزِيزٍ لِمُهَيِّمِنٍ صَاغِرٌ  
 هر عزیزی در برابر خداوند برپادارنده عالم، کوچک است  
 لِعِزَّةِ ذِي الْعَرْشِ الْمَلُوكِ الْجَبَابِرِ  
 در برابر عزت صاحب عرش، پادشاهان ستمگر  
 إِلَى رَفْضِهَا دَاعٍ وَيَالْزُهْدِ أَمْرٌ  
 برای نپذیرفتن آن فراخوان و به زهد دستور دهنده‌ای است  
 وَأَنْتَ إِلَى دَارِ الْمَنِيِّ صَائِرٌ  
 و تو به سوی سرای مرگ خواهی رفت  
 وَإِنْ نِلْتَ مِنْهَا غِبَّهَا لَكَ صَائِرٌ  
 هرچند چیزی از آن بدست آوری به زیان تو باشد<sup>۱</sup>

مَلِيكَ عَزِيزٌ لَا يُرَدُّ قَضَاؤُهُ  
 پادشاه با عزتی که قضایش بازگردانده نمی‌شود  
 عَنَا كُلُّ ذِي عِزٍّ لِعِزَّةِ وَجْهِهِ  
 هر صاحب عزتی در برابر عزت او خوار گشت پس  
 لَقَدْ خَشَعَتْ وَاسْتَسَلَمَتْ وَتَضَاءَلَتْ  
 خاشع شدند و تسلیم گردیدند و کوچک شدند  
 وَفِي دُونِ مَا عَايَنْتَ مِنْ فَجَعَاتِهَا  
 و در کمتر از آنچه مشاهده نمودی از فجایع آن  
 فَجُدًّا وَلَا تَغْفَلُ فَعَيْشُكَ زَائِلٌ  
 پس کوشاباش و غفلت مکن که زندگی تو در آن ازین می‌رود  
 وَلَا تَطْلُبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ طَلَبَهَا  
 و دنیا را طلب مکن که طلب کردن آن

۱. می‌گویم: صاحب صحیفه ۴ مناجات منظومی را آورده است در صفحه ۱۳۴، و دیگری در صفحه ۱۴۴ - آنگونه که آنها را یافته است به خط بعضی از علما - و ما آن را می‌آوریم به همان صورت با وجود اعتقاد ما به عدم صحبت انتساب آن به آن حضرت علیه‌السلام بسبب آنچه در آن است از ضعف در نظم و لفظ آن دو، که آن حضرت علیه‌السلام، عین فصاحت و سرچشمه بلاغت است! و سید امین به فساد نسبت آن دو به آن حضرت علیه‌السلام، قطعاً نظر داده است در مقدمه صحیفه «۵» و گفته است: عذر صاحب صحیفه «۴» در آوردن آنها عدم آشنایی کامل او با زبان عربی می‌باشد، و آن دو عبارتند از:

الف- در مناجات منظوم:

دُعَاءٌ مِنْ ضَعِيفٍ مُبْتَلَاءٍ  
 دعایی را، از ناتوانی گرفتار  
 أَسِيرًا بِالذُّنُوبِ وَالْخَطَاءِ  
 اسیر گناهان و خطاها  
 مُجِدًّا بِالتَّبَتُّلِ وَالِدُعَاءِ

أَلَمْ تَسْمَعْ بِفَضْلِكَ يَا مُنَايَ  
 آیا شنیده‌ای به فضل خود ای آرزویم  
 غَرِيقًا فِي بَحَارِ النِّعَمِ حُرْنًا  
 غرق شده در دریاهاى غم به اندوه  
 أُنَادِي بِالتَّضَرُّعِ كُلَّ يَوْمٍ

ندا می‌دهم با تضرع در هر روز  
لَقَدْ ضَاقْتُ عَلَى الْأَرْضِ طُرّاً  
زمین بر من تنگ آمده است تماماً  
فَخَذْتُ بِيَدِي فَأَيْسُ مُسْتَجِيرٌ  
پس دستم را بگیر که من پناهنده‌ام  
أَتَيْتُكَ بِأَكْبِيَاءَ فَارْحَمْ بُكَائِي  
آمدم به سوی تو گریه کنان پس رحم کن گریه‌ام را  
وَلِيَ هَمٌّ وَأَنْتَ لِكَشْفِ هَمِّي  
مرا اندوهی است و تو برطرف کننده اندوهم هستی  
وَأَيُّقْظِنِي الرَّجَاءَ فَقُلْتُ رَبِّي  
بیدار ساخت مرا امید و گفتم ای پروردگارم  
تَفَضَّلْ سَيِّدِي بِالْعَفْوِ عَنِّي  
لطف کن ای سرورم با عفو کردنم

می‌کوشم به اخلاص و دعا  
وَأَهْلُ الْأَرْضِ مَا عَرَفُوا دَوَائِي  
و اهل زمین دارویم را نشناخته‌اند  
بِعَفْوِكَ يَا عَظِيمٌ وَيَا رَجَائِي  
به عفو تو ای عظیم و امید من  
حَيَائِي مِنْكَ أَكْثَرَ مِنْ خَطَائِي  
حیای من از تو بیشتر از خطایم می‌باشد  
وَلِيَ دَاءٌ وَأَنْتَ دَوَاءُ دَائِي  
و مرا دردی است و تو درمان درد من هستی  
رَجَائِي أَنْ تُحَقِّقَ لِي رَجَائِي  
امیدم این است که امیدم را محقق سازی  
فَأَيْسُ فِي بَلَاءٍ مِنْ بَلَائِي  
که من از بلایی به بلایی دیگر گرفتار می‌شوم

ب- و نیز در مناجات منظوم است:

إِلَيْكَ يَا رَبِّ قَدْ وَجَّهْتُ حَاجَاتِي  
به سوی تو پروردگارم نیازهایم را متوجه ساختم  
أَنْتَ الْعَلِيمُ بِمَا يَخْوِي الضَّمِيرُ بِهِ  
تو دانا هستی به آنچه ضمیر در بر دارد  
إِقْضِ الْحَوَائِجَ لِي رَبِّي فَلَسْتُ أَرَى  
برآورده ساز حاجت‌ها را برایم ای پروردگارم که نمی‌بینم  
وَسَّعَ بِفَضْلِكَ لِي رِزْقاً أَعِيشُ بِهِ  
وسعت بده به فضلت باری من روزی که به آن زندگی کنم  
وَاعْفِرْ ذُنُوبِي بِمَا أَخْطَأْتُ وَأَرْحَمْنِي  
و ببخشای گناهانم را با آنچه خطا کردم و مرا رحم کن  
سَهِّلْ أُمُورِي وَاخْتِمِمْهَا بِمُنْقَلَبِي  
آسان کن کارهایم را و پایان بده آنها را به سرانجامم  
حَقِّقْ بِجُودِكَ آمَالِي وَمُنْقَلَبِي  
محقق ساز به لطفت آرزوهایم و سرانجامم را

وَجِئْتُ بِأَبْكَ يَا رَبِّي بِحَاجَاتِي  
و بر در خانه‌ات آمده‌ام ای پروردگارم با حاجت‌هایم  
يَا عَلِيمَ السِّرِّ عَلَّامَ الْخَفِيَّاتِ  
ای دانای راز و داننده پنهان‌ها  
سِوَاكَ يَا رَبِّ مِنْ قَاضٍ لِحَاجَاتِي  
جز تو ای پروردگارم برآورنده‌ای برای حاجاتم  
يَا قَاسِمَ الرِّزْقِ مِنْ فَوْقِ السَّمَاوَاتِ  
ای قسمت کننده روزی از بالای آسمان‌ها  
يَا رَاحِمَ الْخَلْقِ فَارْحَمْ لِي مُنَاجَاتِي  
این رحم کننده خلائق رحم کن به حال مناجاتم  
أَسْتُرْ عِيُوبِي وَبَلِّغْنِي مُرَادَاتِي  
بپوشان عیب‌هایم را و برسان مرا به خواسته‌هایم  
بَعْدَ الْمَمَاتِ بِرَوْضَاتٍ وَجَنَّاتٍ  
پس از مرگ در باغ‌ها و بهشت‌ها

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

وَأَعْفِرْ بِجُودِكَ يَا رَبِّي خَطِيئَاتِي  
و ببخش به لطفت ای پروردگارم، خطاهایم را  
وَرُدِّنِي نَحْوَ أَحْبَابِي وَحَبَابِي  
و مرا بازگردان به سوی عزیزان و دوستانم  
اسْمَعْ دُعَائِي وَيَسِّرْ لِي مِهْمَاتِي  
بشنو دعایم را و آسان ساز برای من کارهای مهم مرا  
لِلْوَاصِفِينَ وَلَا مَدْحَ الْبَرِيَّاتِ  
برای وصف کنندگان و نه ستایش آفریدگان

وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِالذَّنْبِ تَعَلَّمُهُ  
و مرا مگیر به گناهی که تو آن را می‌دانی  
اجْمَعْ لِي الشَّمْلَ فِي أَهْلِي وَفِي وَلَدِي  
جمع کن برای من پراکندگی را در خانواده و فرزندانم  
يَا خَالِقاً يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ  
ای آفریدگار ای آنکه او را همانندی نیست  
يَا مَنْ تَعَالَى بِلَا وَصْفٍ يَكُونُ لَهُ  
ای آنکه بلندمرتبه است بدون اینکه او را وصفی باشد